



برگزاری وسط زمین:

تجارب آوارگی، روابط جامعه و درگیری بین آوارگان، بازگشت کنندگان و جوامع میزبان در هرات، ننگرهار و تخار

آمار و معلومات و مشکلات هماهنگی در راستای پاسخگویی آنها در برابر این بحران روز افزون مانع گردیده است. این گزارش یک بررسی عمیق پیرامون واقعیت ها و تأثیر بیجاشده گی بر اجتماع بیجاشده گان و میزبان هر دو در سه ولایت افغانستان با بیشترین تعداد بیجاشده گان داخلی مانند هرات، ننگرهار و تخار، ارائه می کند. این گزارش بر سه زمینه: درک تجربه بیجاشده گی، دینامیک بین جمعیت میزبان و جوامع بیجاشده و تجارب گروه های آسیب پذیر به ویژه زنان و جوانان، متمرکز شده است. کار تحقیق در راستای این مطالعه از اکتوبر ۲۰۱۹ تا جنوری ۲۰۲۰ طی پنج ماه انجام شده است. یافته های تحقیق، براساس معلومات جمع آوری شده از نظر سنجی ها، مصاحبه ها و بحث های گروهی انجام شده با بیجاشده گان داخلی، عودت کننده گان، اعضای جوامع میزبان و مقامات محلی و کارمندان موسسات بشری در تخار، ننگرهار و هرات و مصاحبه های اصلی معلوماتی با پالیسی سازان و کارمندان بشری بین المللی در کابل، به دست آمده و تدوین شده است. تیم تحقیق با اتخاذ رویکردی از پایین به بالا برای درک بهتر این پویایی از روش های تحقیق مبتنی بر اجتماع و مشارکتی استفاده کرده است. بنابراین، در حالی که پالیسی سازان و کارمندان بشری در کار این تحقیق گنجانده شده اند، اما بخش عمده گزارش بر دیدگاه ها و تجربیات اجتماع متمرکز بوده است.

افغانستان در سطح جهان با یکی از طولانی ترین و پیچیده ترین چالش های بیجاشده گی جمعیت روبه رو است. در سال ۲۰۱۹ م، ۵۷۸,۰۰۰ تن از افغانان یا به دلیل درگیری، خشونت و یا هم حوادث طبیعی از خانه های خود بیجا شده اند. در همین حال، ۴۹۰,۰۰۰ تن از افغانان در همین سال از خارج از کشور عودت کرده اند که اغلب شان تحت شرایط ناگوارای قرار داشتند و تعداد بیشتری آنها پس از بازگشت به خانه، بازهم به زندگی آواره گی و بیجاشده گی ادامه دادند؛ زیرا آنها مایل یا قادر به بازگشت به محل اصلی خود نبودند یا اینکه به ترک منطقه اصلی زندگی خود مجبور شدند. در سال ۲۰۱۹ م، تخمین زده می شد که ۴,۲ میلیون افغان در داخل کشور بیجاشده باشند. بحران طولانی مدت بیجاشده گی نه تنها بر بیجاشده گان، بلکه بر جوامعی میزبان، نیز تأثیر می گذارد. در شرایطی توأم با عمق ناامنی، شکنندگی اقتصادی وضعیت نا معلوم سیاسی مانند افغانستان، بحران طولانی مدت بیجاشده گی روند ارائه خدمات عامه را تضعیف کرده و می تواند رقابت را در راستای فرصت های معیشتی تشدید کند. بیجاشده گی همچنین باعث ایجاد جوامع جدید و در عین حال سیال و از هم گسیخته مهاجران جدید، مهاجران سابق و جوامع میزبان می شود که این امر اعضای جامعه بیجاشده و میزبان را مجبور به مذاکره در مورد یک محیط جدید می کند. پالیسی سازان ملی و بین المللی در تلاش درک سیالیت و وسعت بیجاشده گی داخلی اجباری در میان یک درگیری مسلحانه طولانی مدت بوده اند که کمبود

این نشریه یافته های گزارش سریع پیش رو را به طور خلاصه بیان می کند: «محتوای سرزمین میانه: تجارب آوارگی، روابط جامعه و درگیری با آوارگان، بازگشته گان و میزبانی در هرات، ننگرهار و تخار» و توصیه های بعدی توسط نویسندگان: آلتیا ماریا ریوس، میرویس وردک و همکارانشان در دفتر سازمان آموزشی و تحقیقاتی صلح (PTRO).

یافته های کلیدی

چارچوب های پالیسی:

پالیسی سال ۲۰۱۷ م. عودت کننده گان و بیجاشده گان گام بزرگ و دستاورد مهمی برای دولت افغانستان است. این پالیسی، به بسیاری از موضوعاتی همانند امکان انتخاب گزینه های دیگر فراتر از بازگشت برای بیجاشده گان که پالیسی های قبلی نتوانسته به آن پردازند، رسیده گی کرده است. با این وجود، برای تحقق این ظرفیت، به یک دفتر دولتی کارآمد نیاز است، تا این رهنمودهای جدید تطبیق و بر آن نظارت کند و ارتباطات و راهنمایی های شفاف تری از تطبیق آن در سطح محلی و هماهنگی بهتر میان فعالان ملی و بین المللی در این راستا فراهم سازد.

بیجاشده گی:

وضعیت نامعلوم سیاسی، ناامنی و آسیب پذیری مشخصه حرکات بیجاشده گی داخلی در هر سه ولایت است. عودت کننده گان و بیجاشده گان داخلی در سفر به محل جدید، با حالتی مملو از ناامنی و سوءاستفاده مواجه بودند. برای عودت کنندگان، یعنی کسانی که اخراج شده اند و کسانی که خود برگشته اند، این امر شامل آزار و اذیت پولیس، بازداشت و آزار جسمی است. بسیاری از افراد بیجاشده داخلی مورد سرقت قرار گرفتند، منابع خود را از دست دادند و گاهی هم با سوء استفاده روبرو شدند. اگرچه این یکی از خطرناکترین زمان بیجاشده گی بود، اما کمکی به این خانواده ها صورت نگرفته است. تجربه حل و فصل به طور قابل توجهی تحت تأثیر رویدادهایی بود که پس از ترک خانه به وقوع پیوست. ترس، فشار روحی و منابع اندک، معمولاً شرکت کننده گان را پس از رسیدن به محل جدید، در معرض خطر بیشتر استثمار قرار داده و به بیجاشده گی های بعدی و چنگانه آنان کمک کرده است.

عوامل بیجاشده گی:

ناامنی، فقر، و عدم امنیت مواد غذایی به عنوان عوامل اصلی بیجاشده گی ذکر شده است. نتایج حاصله از نظرسنجی خانواده ها، بحث های گروهی متمرکز و مصاحبه های انجام شده برای این گزارش، منعکس کننده این امر که اکثر شرکت کنندگان اظهار داشتند که در این میان این عوامل البته جنگ عامل اصلی بود که منجر به این شد تا آنان خانه های شان را ترک کنند. ماهیت جنگ متفاوت است، و اغلب عوامل متعددی باعث بیجاشده گی می گردد و البته آغاز جنگ مشکلات موجود را توأم با عدم امنیت غذایی، تنش های قومی و موارد سوءاستفاده و آزار و اذیت و حوادث طبیعی بیشتر می کند.

کمک و مساعدت:

هم شرکت کنندگان از جامعه میزبان و هم بیجاشده گان داخلی هر دو نسبت به کمبود کمک فعالان ملی و بین المللی برای بیجاشده گان ابراز نگرانی کردند. بسیاری از خانواده های بیجا شده کمک دریافت نکرده اند و در این میان به کسانی که

کمک های اضطراری ارائه شده، این کمک ها حتا برای رفع نیازمندی های کوتاه مدت آنها نیز کافی نبوده است. واکنش کند و ناکافی دولت و سازمان های بشری در این راستا نه تنها خانواده های بیجا شده را تحت تأثیر قرار داده است، بلکه فشار بیشتری را به آن دسته از جوامع میزبان وارد می کند که با فقر و بیکاری دست و پنجه نرم می کنند. بنابراین، کمبود کمک به هر دو اجتماع، کاتالیزوری بود که به تنش های درون جامعه دامن می زد. در حالی که مشخص بود، اکثر خانواده ها با طیف وسیعی از مسایل از جمله فقر، ناامنی غذایی و عدم دسترسی به زمین، آب و حفظ الصحة مواجه اند، اما زنده گی در یک منطقه امن در این زمینه تعادل به وجود می آورد و دسترسی به خدمات بهبود می یابد. با این وجود، امنیت، مشکلات بیجاشده گی و عدم کمک فعالان محلی و بین المللی را نفی نکرد. عدم وجود دولت، وجود فساد و کمک ناکافی همه به عنوان یکی از شرایط غیرقابل تحمل، بیجاشده گان و جوامع میزبان را زیر تأثیر خود قرار می دهد.

تنش های اجتماعی:

تنش های درون اجتماع از آنچه توسط تیم تحقیق پیش بینی شده بود، یا آنچه در گزارش سازمان های سیاسی و موسسات بشری ذکر می شود، بسیار کمتر بود. خانواده های بیجاشده گاهی اوقات توأم با ترس مشاهده می شدند و از اینکه عاملین افزایش میزان جرم پنداشته می شدند، سرزنش می گردیدند. منابع اصلی تنش در مورد زمین، عدم پرداخت اجاره و دستمزد و اختلافات فرهنگی غالباً پیرامون زنان بود. اختلافات فرهنگی و منطقه پی منشأ تنش بین دو اجتماع بود و این امر بهانه یی برای تبعیض در زندگی روزمره، اشتغال، مسکن یا محدود کردن دسترسی به شبکه های اجتماعی می شد. یک درک مشترک در جوامع میزبان وجود داشت مبنی بر اینکه افزایش جمعیتی که به دلیل ورود خانواده های بیجا شده است، موجب فشار بر خدمات صحتی و آموزشی و محدودیت دسترسی به فرصت های کاری را افزایش می دهد. در حالی که این امر باعث ایجاد برخی از احساسات منفی نسبت به بیجاشده گان داخلی می شد، بسیاری از ساکنان محلی اذعان داشتند که فقر در جوامع بیجاشده وخیم تر از آن است که در جوامع میزبان دیده می شود و آنان حمایت کاری و ایجاد فرصت های کاری را به عنوان یک زمینه مهم برای کمک های فعالان بین المللی و ملی جهت حمایت از بیجاشده گان به منظور حمایت از خانواده های بیجاشده می دانستند.

کارهای جمعی اجتماعی و انعطاف پذیری:

شواهد و مدارکی از هر سه ولایت موجود بود که به جای تنش و اختلاف فراگیر درون اجتماع، به وجود تلاش ها و تشریک مساعی جهت تقویت انعطاف پذیری مشترک اجتماعی اشاره دارد. جوامع محلی علی رغم کمبود منابع، خدمات عامه نارسا و اختلافات قومی، به کمک به خانواده های بیجاشده وارد عمل می شدند. این تغییر که در سطوح مختلف در هر سه ولایت ذکر شده است، تا حدی به دلیل استقبال روزافزون جوامع میزبان نسبت داده می شود که بیجاشده گی داخلی را یک

در افغانستان بسیار مهم است، با این حال، تعامل فوری با کمک و حمایت از اهدا کنندگان به شبکه های حمایتی غیررسمی امری ضروری است و می تواند، تأثیر بسزایی در بهزیستی روانی اجتماعی زنان آواره داشته باشد. حمایت از گروه های زنانی که علی رغم آنکه خود با کمبود منابع رو به رو اند، و در جامعه میزبان کمک می کنند، یک امر حیاتی شمرده می شود.

جوانان کوشا:

جوانان بیجاشده و میزبان دارای تجربه های مختلفی از تحصیلات، خشونت، تعهدات خانواده گی و تعهدات داوطلبانه بودند که اغلب در سطح بالای آسیب پذیری اقتصادی قرار داشتند. بزرگترین موارد تنش و اختلاف میان جوانان وجود داشت، اما همچنین در میان آنان یک تعهد قاطع وجود داشت مبنی بر اینکه شخصاً و به عنوان یک ملت رو به جلو حرکت کند و به رشد برسند. با این حال، میل و اشتیاق به یک افغانستان صلح آمیز و آینده بهتر در میان جوانان، وجود داشت که این امر را از تجارب مداوم بیجاشده گی اجباری، میراث جنگ و ترس به دست آورده بودند.



پیشنهادهای

حرکت فراتر از موانع هماهنگی و پیچیده گی:

فعالان ملی و بین المللی باید گام های جدی یی را در موارد بردارند که از ده سال به اینسو در راستای ارائه کمک بشری به بیجاشده گان به عنوان مانع قد علم کرده است. دیگر باید از پیچیده گی به عنوان واکنش و پاسخگوی ناکارآمدتر و غیرموثر یا توجیه شکست استفاده نشود.

بهبود روند هماهنگی:

در این بخش در این اواخر پیشرفت های خوبی صورت گرفته است، اما مشارکت در سطح ملی و بین المللی باید تقویت شود و ظرفیت سازمان های دولتی در راستای ثبت معلومات مربوط به بیجاشده گی به ویژه در زمینه جمع آوری معلومات بهبود یابد.

بر نوآوری ها باید سرمایه گذاری صورت گیرد و انتقال

مهارت ها باید در اولویت قرار گیرد:

معلومات او آمار باید به گونه منظم و حتا در امتداد سرحدات جمع آوری شود. به منظور بهبود روند جمع آوری معلومات و

اتفاق معمول می پنداشتند. خانواده های بیجا شده به دلیل تجربه مشترک خشونت، ناامنی و فقر که خانواده های افغان را در سراسر کشور تحت تأثیر قرار داده، رنج می برند و بنابراین، وظیفه جوامع میزبان این است که در صورت امکان، به بیجاشده گان و عودت کننده گان کمک کنند. به همین ترتیب، در تمام ساحه های تحقیقاتی شواهدی وجود داشت که نشان می دهد، خانواده های بیجا شده در راستای رفع نیازمندی های اساسی روزانه خود، از سایر خانواده های بیجاشده و اعضای جامعه میزبان حمایت به دست می آوردند. بدون چشم پوشی از وجود تنش درون اجتماع، این مطالعه نشان داد که نورم های فرهنگی جامعه محلی که اغلب در اسناد و گزارش های سیاسی به عنوان عامل ایجاد اختلافات قومی و خشونت پنداشته می شود، در واقع انگیزه یی برای یک منبع مهم و رو به رشد کمک غیر رسمی بشردوستانه به خانواده های بیجاشده و تلاشی در راستای تقویت انعطاف پذیری کلی جامعه در برابر خشونت و بی ثباتی است.

چالش های زیست محیطی:

کیفیت پایین مواد غذایی، آب ناپاک، روش های پخت و پز و ذخیره سازی مواد غذایی، اثرات مخربی بر صحت زنان و خانواده های آنها داشت. موادی که برای تولید آتش به منظور پخت و پز استفاده می شود، مانند بتری های پلاستیکی و ظروف پلاستیکی و غیره اغلب مواد غذایی را آلوده می کند، منجر به شیوع انواع امراض می شود و دارای اثرات مخرب زیست محیطی می باشد.



صحت روانی و زنان:

شبکه های محلی و گروه های اجتماعی نقش مهمی در ارائه حمایت روانی - اجتماعی از زنان و اطفال بیجاشده و کمک به ایجاد انعطاف پذیری جامعه دارند. زنان و اطفال بیجاشده پس از زندگی چندین دهه با جنگ، بیجاشده گی و فقر، با چالش های قابل توجهی در راستای صحت روانی مواجه اند. حمایت از صحت روانی در سیستم مراقبت های صحتی ملی در بهترین حالت بازمه نارساست و به دلیل وجود محدودیت در نورم های اجتماعی و جنسیتی غالباً این خدمات غیرقابل دسترسی است. با این وجود، گروه های مستقر در اجتماع برای ارائه حمایت جهت رفع این مشکل وارد عمل می شوند. سرمایه گذاری در خدمات مبتنی بر تسهیلات صحت روانی و آموزش های مسلکی

ارقام باید از رویکردهای خلاقانه استفاده شده و در ادارات مرکزی و محلی به مهارت های خوب توجه صورت گیرد، تا میان بیجاشده گی و حرکات در امتداد سرحدات ارتباط آشکار و یک راه حل مداوم به دست آید.

تعامل با انعطاف پذیری محلی:

صدای مردم آسیب دیده، باید یک تأثیر و تأثیر نباشد، بلکه در روند پاسخ دهی و واکنش جمعی و یکپارچه بازتاب یابد، تا در افغانستان به مشکل بیجاشده گی رسیده گی شود. شریکان باید برنامه های شان را طوری آماده و طراحی کنند که تا حد زیاد پاسخگوی نیازهای محلی باشد. فعالان بین المللی باید بر این تمرکز نمایند که سازمان های بین المللی برای این جوامع چه کاری را انجام داده می توانند و از انعطاف پذیری حمایت نمایند که در جوامع میزبان و بیجاشده هر دو نمایان باشد.

اقدامات در راستای پاسخگویی تقویت گردد:

روند مسوولیت پذیری و پاسخگویی به این نیاز دارد که بر مسیر اهداکننده گان و فعالان سیاسی حرکت صورت گیرد. با این وجود، اهدا کننده گان می توانند از نفوذ خود استفاده کرده تا سازمان های بشری را به این تشویق نماید تا با استفاده از فوروم های مشارکتی و ارزیابی جامعه محور، در راستای جوامع محلی بیشتر مسوولیت پذیر و پاسخگو باشند.

سرمایه گذاری بر خدمات صحت روانی جامعه محور:

تأثیرات چالش های صحت روانی در جوامع محلی به ویژه در جوامع بیجاشده به این نیاز دارد که این امر به طور کامل درک گردیده و در امر برنامه ریزی کمک ها در مقام اولویت باشد. در راستای خدمات صحت روانی جامعه محور برای شبکه های زنان و جوانان باید سرمایه گذاری صورت گیرد، تا در این راستا حمایت قابل دسترس و فوری به جوامع محلی فراهم شود.

سرمایه گذاری در راستای درک زنده گی جوانان:

روند رو به رشد جوانان، بیجاشده گی و افراد محروم می تواند به طور مستقیم حکومنداری، امنیت و دیدگاه انکشاف را تحت تأثیر قرار دهد. لازم است که این قشر جامعه در تناسب به پروگرام سازی در راستای مقابله با افراط گرایی و رادیکالیزم جدی مورد توجه قرار گیرد. تحقیق در راستای زنده گی و اولویت های جوانان باید در اولویت قرار داشته باشد و سرنخ هایی باید فراهم شود که همکاران بین المللی به گونه بهتر بتوانند از میلیون ها جوان که با ناامنی، بیجاشده گی و خشونت دست و پنجه نرم و مبارزه می کنند، حمایت کنند.



عکس ها توسط جمشید اسماعیل در سپتمبر و اکتوبر ۲۰۱۹ در ولایات هرات و ننگرهار گرفته شده است
© ۲۰۲۰ PRTO & FES و کلیه حقوق محفوظ است.

تماس:
سازمان آموزشی و تحقیقاتی صلح
خانه نمبر ۱۸۵، سرک سوم خواجه ملا، کارته سه کابل
افغانستان
ایمیل: mirwais.wardak@ptro.org.af